

دولت یا بنگاه واسطه؟



دبیر گروه اقتصادی وحید عظیم‌پا

این روزها که پیچیدگی‌های مدیریتی و اقتصادی بر کسی پوشیده نیست، شاهد جابه‌جایی خطرناک در نقش و جایگاه دولت به شیوه خزنده و خاموش واگذاری مسئولیت‌ها به بخش خصوصی هستیم. این عقب‌نشینی از وظایف اصلی، با شعارهای زیبا و فریبنده «مشارکت بخش خصوصی» ارانه می‌شود، اما در واقع معنایی جز رها کردن جایگاه حاکمیت و کاهش حساسیت نسبت

به رفاه عمومی ندارد. چنین روندی معنای دولت را از کارآمدی و پاسخگویی تهی می‌کند و خطر عمیق تر شدن شکاف‌های عدالت اجتماعی و کاهش کیفیت خدمات حیاتی را به دنبال دارد. بدیهی است حاکمیت و دولت، نمی‌توانند و نباید به ناظر تبدیل شوند و صحنه اداره کشور را به بخش خصوصی واگذار کنند. موفقیت صرفاً در سودآوری و کارایی مالی خلاصه نمی‌شود. بخش خصوصی اهداف و اولویت‌های متفاوتی دارد؛ اولویت‌هایی که در آن کفه «سودآوری» و «منافع اقتصادی» به کفه تأمین عدالت و خدمت‌رسانی به مناطق محروم یا حوزه‌های فاقد صرفه اقتصادی سنگینی می‌کند و در چنین شرایطی نقش دولت به عنوان ناظر صرف یا به عنوان بازیگری فعال در تأمین خدماتی که ممکن است هیچ سود مالی نداشته باشند، به شدت دچار ابهام می‌شود. واگذاری خدمات زیرساخت‌های حیاتی کشور، از جمله فناوری اطلاعات و ارتباطات به بخش خصوصی، شکاف‌های فراوان دیجیتال و اجتماعی را عمیق‌تر و عدالت در دسترسی به خدمات حیاتی را کاهش داده است. پیش از این نیز در حوزه‌هایی مانند آموزش و بهداشت تجربه تلخ خصوصی‌سازی و کالای‌سازی را داشته‌ایم. ظاهراً حالا نوبت به خدمات دیجیتال رسیده است و طبعاً اگر صرفه اقتصادی نداشته باشند، بخش خصوصی تمایلی برای حضور در آنها نخواهد داشت و این به معنای عمیق‌تر شدن شکاف‌های موجود در جامعه است.

طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که «مکمل» فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است، بنابراین بخش خصوصی باید مکمل باشد نه آنکه دولت کنار بنشیند و خدمات رفاهی را هم به این بخش واگذار کند. وزیر ارتباطات اخیراً در کارگروهی موسوم به «هوشمندسازی نظام اداری» گفته است: «بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی اعتماد بیشتری از سوی مردم جلب کرده است.» در این جلسه همچنین اعلام شد: «تصویب طرح نظام تعرفه‌گذاری خدمات دولتی در سامانه‌ها و پلتفرم‌های بخش خصوصی و دولتی و بررسی اقدامات انجام‌شده در حوزه سلامت دیجیتال از دستور کارهای اصلی این جلسه است.» موفقیت بخش خصوصی به این معنا نیست که دولت دیگر ضرورتی ندارد یا باید نقش خود را کنار بگذارد. این تفکر ساده‌انگارانه، حاکمیت را که مفهومی بسیار پیچیده است، به ابزار برون‌سپاری ساده تبدیل می‌کند.

اگر امروز بخش خصوصی خدماتی بهتر ارائه می‌دهد، دلایلش ضعف ساختاری و عملکردی دولت است، نه اینکه دولت به خودی خود غیرضروری شده باشد. اگر قرار است همه امور به بخش خصوصی سپرده شود، پس چرا همچنان ساختارهای گسترده دولتی، با همه مدیران و بودجه‌ها پاپر جاست؟ این تناقض بخش خصوصی را در شکل از سیاستگذاری، نظارت و حتی داوری و به بخش خصوصی، خطر بزرگی است که آینده حاکمیت را به مخاطره می‌اندازد. حاکمیت نمی‌تواند و نباید به شرکت‌ها یا سرمایه‌گذاران سپرده شود، چرا که رفتار سرمایه‌گذار عمدتاً مبتنی بر سود است و سود الزاماً با عدالت و دسترسی برابر همخوانی ندارد. در حوزه ارتباطات همین حالا هم شاهد هستیم که شرک‌ها مناطق پر درآمد را به مناطق کم‌درآمد ترجیح می‌دهند و اگر دولت کنار بکشد، شکاف خدمات بین مناطق مختلف به شکل فاجعه‌بارتری عمیق‌تر می‌شود.

مسئله اساسی در اینجا، تضاد میان منطق سودآوری و منطق عدالت اجتماعی است. دولت باید وظیفه تأمین عدالت را در خدماتی که سودآور نیستند، بر عهده داشته باشد، اما واگذاری این امر به بخش خصوصی به این منجر می‌شود که منطق سود بر عدالت سایه بیندازد. این تجربه تلخ را بارها در حوزه‌هایی مثل آموزش و بهداشت دیده‌ایم. آموزش که کالایی شده، فرصت‌ها و کیفیت برابر را از میان برده و تبدیل به امری تنها برای ثروتمندان شده است. همچنین درماتگاه‌ها و مدارس در مناطق محروم، روز به روز شکل ضعف‌تری می‌یابند و عدالت آموزشی و درمانی در معرض نابودی قرار گرفته است. این روند در حالی پیش می‌رود که اصل ۴۴ قانون اساسی کاملاً وظایف و محدوده فعالیت دولت را تعیین کرده است و تأکید بر حفظ مالکیت و مدیریت بخش‌های کلان اقتصادی و زیرساخت‌ها از سوی دولت دارد. بخش خصوصی به عنوان مکمل بخش دولتی تعریف شده است، نه جایگزین آن. بخش ارتباطات به عنوان یکی از زیرساخت‌های حیاتی کشورمان نیز از این قاعده مستثنی نیست و نباید دیگر بیشتر از این به بخش خصوصی واگذار شود.

دولت‌داری به معنای پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، حمایت از افشار آسیب‌پذیر و تأمین عدالت است؛ مفاهیمی که نمی‌توان آنها را به نام «مشارکت بخش خصوصی» قربانی کرد. مشارکت بخش خصوصی باید به عنوان مکمل و در کنار دولت باشد، نه به جای آن. وقتی وزیر ارتباطات می‌گوید بخش خصوصی اعتماد مردم را بیشتر جلب کرده، باید این را نشانه‌ای از ناکارآمدی دولت و نیاز به اصلاح جدی ساختارهای دولتی ندانست و نباید مجوزی برای واگذاری بیشتر و کوتاه آمدن از مسئولیت‌ها قرار گیرد. بدیهی است اگر بناسط دولت مسئولیت‌ها بیش را واگذار کند و کنار بکشد، پس دیگر چه نیازی به تشکیلات، ساختار و بودجه‌های گسترده دولتی است؟ چه ضرورتی برای وجود هزاران مدیر و معاون و سازمان دولتی است؟ اگر قرار است همه امور به بخش خصوصی سپرده شود، بهتر است به همان شکل صریح این کار انجام شود و دولت کنار بکشد.

فعالیت بخش خصوصی در اقتصاد، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند فناوری اطلاعات، ارتباطات، آموزش و بهداشت، زمانی می‌تواند مفید و سازنده باشد که در چارچوب قانون، شفاف و تحت نظارت دقیق دولت انجام گیرد. نمی‌توان صرفاً به بهانه اینکه «بخش خصوصی خدمات بهتری ارائه می‌دهد»، دولت را از انجام وظایف حاکمیتی‌اش معاف کرد. این یک خطای راهبردی و خطرناک است که در بلندمدت به تضعیف نقش دولت و گسترش بی‌عدالتی اجتماعی منجر می‌شود. واقعیت این است که حتی امروز هم بخش قابل توجهی از خدمات زیرساختی، مثل اینترنت و تلفن همراه، در اختیار اپراتورهای خصوصی است، اما با وجود این، رضایت عمومی از کیفیت، قیمت و پوشش این خدمات همچنان پایین است. نبود شفافیت، ضعف در نظارت و اولویت سود بر خدمت، از مهم‌ترین دلایل این نارضایتی است.

مهم‌تر از همه، نباید اجازه داد نظام تعرفه‌گذاری خدمات دولتی با منطق بازار و سودمحوری بخش خصوصی طراحی شود. چنین رویکردی به تدریج باعث کالایی شدن خدمات عمومی خواهد شد، همان‌گونه که در آموزش و بهداشت و درمان شاهد آن بوده‌ایم. وقتی خدمات دولتی به کالایی برای فروش تبدیل شود، عدالت اجتماعی، برابری فرصت‌ها و حقوق شهروندی زیر پا گذاشته می‌شود، بنابراین مشارکت بخش خصوصی باید تکمیلی و در خدمت منافع عمومی باشد، نه جایگزین مسئولیت‌های دولت. دولت موظف است هم تنظیم‌گر باشد، هم ناظر و هم در موارد لازم تأمین‌کننده مستقیم خدمات عمومی.

گزارش هادی اسماعیلی

ماجرای قیمت‌ارز به چرخه‌ای تکراری تبدیل شده است و هر چند ماه یک‌بار، آزادسازی نرخ دلار صورت می‌گیرد و پس از بروز نوسانات شدید و افزایش قیمت‌ها، دوباره به تثبیت نرخ بازمی‌گردیم. این روند نتیجه‌ای جز کاهش قدرت خرید مردم، بی‌ثباتی بازار و کاهش اعتماد عمومی نداشته است. به باور خبرنگار، مشکل بازار ارز با این دو راهکار حل نمی‌شود چراکه مشکل اساسی در جای دیگری نهفته است. بیش از ۸۰ درصد تجارت خارجی ما وابسته به درهم امارات و زیرنظر خزانه‌داری امریکاست و تراز تجاری متوازن به‌درستی اجرا نمی‌شود، همچنین بانک‌های خصوصی بدون نظارت کافی نقدینگی خلق و سود این اقدامات را در یافت می‌کنند، در حالی که بار گرانی ارز بر دوش مردم است. اصلاح واقعی بازار ارز نیازمند تغییر بنیادین در سیاست‌های تجارت خارجی و کنترل خلق پول در بانک‌هاست. بدون اصلاح این دو عامل کلیدی، نوسانات نرخ ارز همچنان ادامه خواهد داشت و تلاش برای تثبیت یا آزادسازی صرفاً نمایشی برای پنهان کردن ریشه مشکلات است.



در شش ماهه دوم سال ۱۴۰۳ و اولین دوره شش‌ماهه دولت چهاردهم، گفتمان غالب در حوزه سیاست ارزی کشور به سمت آزادسازی قیمت‌ها رفت و در نهایت نیز قیمت‌ها به نحوی آزاد شد که موجب کاهش شدید قدرت خرید مردم در همه بازارها شد و در شش ماه اول سال ۱۴۰۴ نیز سیاست عکس دوره اول یعنی تثبیت قیمت ارز از طرف بانک مرکزی صورت گرفت و این موضوع نیز با شکست مواجه شد و قیمت ارز کالاهای وارداتی با وجود تثبیت در ۹۹ هزار تومان، در بازار آزاد به ۱۵۰ هزار تومان رسید، بنابراین نه تنها آزادسازی قیمت موفقیت‌آمیز نبوده، بلکه سیاست تثبیت نیز نتایج مثبت نبوده است. دوگانه تثبیت یا آزادسازی نرخ ارز از اساس غلط است. نه آنهایی که با تثبیت قیمت ارز موافق هستند موفق بوده‌اند و نه آنهایی که با آزادسازی قیمت ارز که به دنبال تحمیل ابرتورم در اقتصاد و بالا بردن سهام خاص در بازار سرمایه هستند، راهکار درستی را در پیش گرفتند. مسئله ارز را باید در دو سمت عرضه و تقاضا باهم دید و مشکلات این دو بخش را ابتدا حل کرد تا بتوان یک سیاست‌ارزی مناسب را اجرایی کرد. مسئله ارز دو سمت بسیار مهم دارد.

وقتی سیاست‌های مرتبط با حوزه تجارت خارجی صحیح باشند و فرایند تخصیص ارز مبتنی بر نقشه تجاری همگون استوار باشد، نه ترانزیت‌های هزنه‌زا، آن وقت بانک مرکزی می‌تواند سیاستگذاری ارزی کند. البته مسئول همین اصلاح سیاست‌های تجارت خارجی و فرایند تخصیص ارز مبتنی بر نقشه تجاری همگون نیز همین بانک مرکزی است که هیچ عملی در این زمینه نداشته است.

برای حل مشکل ارزی کشور که رفتار تحلیل‌های غلط تثبیت یا آزادسازی قیمت شده است، باید دو بخش اساسی را مدنظر قرار داد. تثبیت قیمت یا آزادسازی قیمت ارز عملیات فریب بزرگ است تا اصلاحات اساسی در بخش ارزی کشور را نبینیم. باید ابتدا دو بخش اساسی را اصلاح کرد تا به این

آغاز عملیات بارورسازی ابرهادر آذربایجان شرقی

عملیات اجرایی پروژه بارورسازی ابره‌ا از استان آذربایجان شرقی به عنوان یکی از پالوهای اصلی این طرح ملی آغاز شده است. به گفته مسئولان، تاکنون ۴۴ اژرتور در نقاط مختلف این استان مستقر و ۱۷ عملیات پروازی به منظور اجرای فرایند بارورسازی انجام شده است. در سومین جلسه کمیته تخصصی راهبری بارورسازی ابره‌ا که با حضور نمایندگان وزارت نیرو، مسئولان استانی، دانشگاهیان و فعالان بخش خصوصی برگزار شد، استان آذربایجان شرقی آمادگی خود را برای اجرای جدی و هدفمند این پروژه اعلام کرد. محمدمهدی جوادیان‌زاده، رئیس سازمان توسعه و بهره‌برداری فناوری‌های نوین آب‌های جوی وابسته به وزارت نیرو در این نشست اظهار داشت: «رتقا بهره‌وری در استحصال آب‌های جوی، جلوگیری از مداخلات داخلی و خارجی در جو کشور، توسعه این صنعت در زبست‌بوم فناوری کشور و پرورش شرک‌های فناوری در این حوزه از مهم‌ترین بخش‌های آمورتیته‌های دوازده‌گانه این مرکز است. برای رسیدن به نتایج مطلوب و پایدار، نگاه به بارورسازی ابره‌ا باید بلندمدت و مبتنی بر برنامه‌ریزی‌های علمی و عملیاتی باشد. این طرح نباید صرفاً به عنوان یک اقدام مقطعی دیده شود، بلکه باید در چارچوب استراتژی کلان مدیریت منابع آب کشور قرار گیرد.» در جمله نکات برجسته در این نشست، تأکید بر مشارکت دانشگاه‌ها و مراکز علمی در فرایند اجرای این پروژه بود. در سال جاری همکاری‌های گسترده‌ای با دانشگاه تبریز و سایر مراکز علمی در زمینه تحقیق، توسعه فناوری و آموزش نیروهای متخصص صورت گرفته است. در حال حاضر ۱۴ اژرتور در مناطق مختلف استان فعال هستند که نقش مهمی در اجرای عملیات زمینی باروری ابره‌ا ایفا می‌کنند، همچنین تاکنون ۱۷ پرواز عملیاتی با هدف پخش مواد بارورساز در ابره‌ای مستعد انجام شده که نتایج اولیه آن امیدوارکننده بوده است. مسئله تأمین آب پایدار یکی از دغدغه‌های اصلی مدیریت استان است و بارورسازی ابره‌ا می‌تواند به عنوان یک ابزار مکمل در کاهش فشار بر منابع آبی مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به ظرفیت علمی، فناوری و زیرساخت‌های موجود در استان، آذربایجان شرقی می‌تواند به یکی از مراکز اصلی توسعه این فناوری در کشور تبدیل شود. اگرچه بارورسازی ابره‌ای می‌تواند نقطه شروع مناسبی برای مدیریت بارش‌ها و مقابله با خشکسالی باشد، اما نباید از سایر عوامل مؤثر بر اقلیم غافل شد. سیاستگذاری‌های بلندمدت باید بر اساس مجموعه‌ای از داده‌ها و تحلیل‌های اقلیمی، محیط‌زیستی و اقتصادی صورت گیرد. موفقیت این طرح در گرو توجه همزمان به مسائل محیط‌زیستی، توسعه پایدار و استفاده از فناوری‌های روزآمد است. در بخش دیگری از جلسه، اعضای کمیته تخصصی ضمن بررسی ابعاد اجرایی پروژه، بر ضرورت بهره‌گیری از زیرساخت‌های موجود از جمله رادارهای هواشناسی، ایستگاه‌های سنجش جو و اطلاعات ماهواره‌ای تأکید کردند، همچنین اعلام شد اتاق بازرگانی استان آمادگی خود را برای حمایت مالی و مشارکت در توسعه فناوری‌های مرتبط با بارورسازی ابره‌ا اعلام کرده است.

سیاست‌های تجاری و خلق پول را اصلاح کنید

«تثبیت» یا «آزادسازی» عملیات فریب بازار ارز است

۸۰ درصد تجارت خارجی ما زیرنظر خزانه‌داری امریکا و وابسته به درهم است ولی کوچک‌ترین تلاشی برای حل این معضل بزرگ نمی‌کنیم، به جای آن ۶ ماهه یک بار سیاست تثبیت و آزادسازی را اجرایی می‌کنیم!



محمدمهدی مانی | جوان

نقطه بر سیم که بانک مرکزی توانایی کنترل ارز در یک بالک قیمتی یا یک بازه قیمتی ذیل برنامه سیاست ارزی کشور را دارد. تا این دو بخش را جلو نبریم، به هیچ وجه سیاست ارزی کشور کارایی نخواهد داشت.

بخش اول مربوط به کاهش وابستگی به سیستم‌های تسویه در تجارت خارجی است. سیاست خرید از کشورهای است که به آنها صادرات داریم، این به آن معناست که ما باید نقشه تجارت خارجی خود را همگون کنیم، یعنی اینکه به هر جایی که صادرات داریم، از همان جامعه واردات‌مان را انجام دهیم.

بخش دوم اما در طرف سیاست‌های داخلی کشور استوار است؛ سیاستی که قرار بود با کنترل ترانزانه بانک‌ها، به سمت کنترل رشد نقدینگی برود ولی فضا برای وام‌های خرد و وام‌های بخش مولد اقتصاد تنگ تر کرد و به جای آن بخش‌های خاص، دولتی و زیرمجموعه خود بانک‌ها منتفع اصلی خلق پول در کشور شدند. این وضعیت باعث شده است بدون رشد واقعی تولید، نرخ نقدینگی رشد فراینده باشد و موتور رشد‌ارز نیز همیشه روشن باشد.

وقتی نقدینگی در دست افراد خاص نباشد که بتوانند خرید ارز داشته باشند، به راحتی موجد خلق پول قیمتی و اثرات تورم انتظاری با ورود بانک مرکزی خنثی خواهد شد ولی وقتی رشد نقدینگی بالای ۲۰ درصد است و حاکمیت و بانک مرکزی هیچ ردیدی نسبت به خلق پول درون بانکی ندارند و این قدرت

بزرگ که از هیچ امکان تولید پول و اعتبار بازار را دارد به دست عده‌ای خاص و بر قدرت و پرنفوذ افتاده است که به اسم مردم، تورم به جیب مردم تحمیل می‌کنند، هیچ اتفاق خاصی در کنترل قیمت ارز نخواهد افتاد.

این اثر گذاری بسیار بد خلق پول بر بازار ارز کشور و ایجاد تقاضای کاذب از محل وام‌های اعتباری پرداختی از سوی شبکه بانکی و بانک‌های خصوصی مستقیماً به جهش‌های ارزی و از کنترل خارج شدن بازار ارز منجر خواهد شد. راهکار مشخص آن نیز برگرداندن قدرت خلق پول به حاکمیت است.

بخش خصوصی نمی‌تواند قدرت خلق پول داشته باشد، چون در بزنگاه با چاپ پول و نقدینگی به شکل بی‌ضابطه در تنش‌های ارزی نقشی مؤثر در تحریک تقاضا و رشد آن ایجاد و کنترل بازار ارز را از دست بانک مرکزی خارج می‌کند.

بیش از ۸۰ درصد تجارت خارجی با ارزی انجام می‌شود که تحت کنترل خزانه‌داری امریکا است. این وابستگی، نتیجه نبود توازن در صادرات و واردات است. از کشورهای خرید می‌کنیم که به ما صادراتی ندارند، مثل اسامات، اما صادرات‌مان به کشورهای مثل چین و عراق انجام می‌شود. این مدل آشفته تجارت خارجی، باعث وابستگی شدید به درهم شده و عملاً امکان مدیریت مستقل ارزی را از بانک مرکزی گرفته است

بانک‌های خصوصی با خلق پول بی‌ضابطه، نقدینگی را وارد بازار می‌کنند و بدون آنکه تولید رشد کنند، باعث افزایش تقاضا برای ارز می‌شوند. این پول‌ها که عمدتاً به دست گروه‌های خاص می‌رسد، مستقیماً روی نرخ ارز اثر می‌گذارد. وقتی خلق پول در اختیار عده‌ای محدود باشد و بانک مرکزی هم کنترل‌ری بر آن نداشته باشد، هر سیاست ارزی که اجرا شود، در نهایت شکست می‌خورد و بازار دوباره دچار تلاطم می‌شود

بانک خصوصی مسئول سودده کردن خود است و منافع شخصی و خصوصی خود را به منافع عموم جامعه ترجیح می‌دهد و گران شدن ارز را قربانی سودده کردن خود خواهد کرد، بنابراین در بخش دوم نیز باید به سمت سیاست تغییر سپرده قانونی بانک‌ها برای کنترل واقعی تقاضای ارز برویم که روی موج انتظارات تورمی سوار شود.

بهترین اقدام برای این رویکرد در ابتدای امر نیز ایجاد رینگ دوم نظام پرداخت است که در آن حساب واحد اشخاص حقیقی و حقوقی در بانک مرکزی به موازات عملکرد فعلی بانک‌ها راه‌اندازی و در واقع کشور صاحب رینگ یا حلقه دوم پرداخت می‌شود. در این تسهیلات قرض‌الحسنه صفر درصد برای افزایش تولید و افزایش قدرت خرید مردم از سوی بانک مرکزی اجرا کرد که هیچ اثری بر نظام بانکی ذخیره جزئی نخواهد داشت، این سپرده امکان تبدیل به سپرده نزد بانک را نخواهد داشت و از این منظر به رشد سپرده بانک‌ها نزد بانک مرکزی و خلق پول در نظام بانکی ذخیره جزئی منجر نخواهد شد، هر واحد خلق پول در این نظام تنها اثر یک به یک بر خلق پول کل دارد؛ دیگر تأثیر مخرب ۹۰ برابری سابق بر افزایش خلق پول را نخواهد داشت و با توجه به نیاز مردم به رینگ دوم پرداخت و تخصیص کامل و هدفمند حمایت‌های دولت در این رینگ پرداختی، رفتار بازپرداخت نیز در این نظام پرداخت کاملاً همسو و در راستای «هدم» پول و عدم انحراف در بازپرداخت خواهد بود، همچنین این سیاست بار بودجه‌ای برای دولت ندارد و از آنجا که ضریب فراینده پولی در این سیاست ایجاد نمی‌شود و تسهیلات قرض‌الحسنه پرداختی نیز به صورت کامل هدم می‌شود و می‌توان رونق غیرتورمی ایجاد کرد.

خلاصه آنکه مسئله تثبیت یا آزادسای قیمت عملیات فریب در بازار ارز کشور است، سیاست اصلی که باید اصلاح شود در جای دیگری است. سیاست تجارت خارجی مبتنی بر نظام تراز تجاری صفر و تطابق نقشه تجاری همگن کشور باید در پیش گرفته شود و در طرف تقاضا نیز باید نظام خلق پول اصلاح گردد و با کنترل دقیق جریان خلق پول درون بانکی بانک‌های خصوصی و افزایش ذخیره قانونی و برگرداندن قدرت خلق پول به حاکمیت، زمینه‌افزایش قیمت به پشتوانه انتظارات تورمی را از بین برد.

شماره آگهی: ۲۰۱۸۰۲۳

(به کلیه مالکین و صاحبان حقوق قانونی)



شهردای قزوین

احتراماً ، **شهرداری قزوین** در نظر دارد ، در اجرای **لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی ،** ابنیه و املاک برای اجرای برنامه های عمومی ، عمرانی و نظامی دولت مصوب سال ۱۳۵۸ و ماده واحده قانون نحوه تقویم اراضی ، ابنیه و املاک مورد نیاز شهر دارپها مصوب سال ۱۳۷۰ و مصوبه شماره ۲۲/۱۴۰۴/۲۲۸۷ مورخه ۱۴۰۴/۴/۱۶ شورای محترم اسلامی شهر قزوین نسبت به تملک ششدانگ یک باب ساختمان مسکونی پلاک ثبتی ۳۶۶۲ اصلی بخش ۲ قزوین به مساحت ۱۸۰/۳۵ متر مربع که در طرح تعریض گذر مجاور بقعه مبارکه امامزاده سلطان سید محمد (ع) واقع در خیابان شهید انصاری غربی قرار گرفته اقدام نماید ، لذا بدینوسیله از کلیه مالکین و صاحبان حقوق قانونی اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی و دارندگان سند رسمی که ملک ایشان در مسیر محدوده تملک شهرداری قزوین قرار دارد دعوت می شود، با در دست داشتن اسناد و مالکیت در اجرای تبصره ۱ و ۴ قانون فوق الذکر حداکثر طرف مدت یک ماه از تاریخ نشر آگهی جهت معرفی کارشناس رسمی منتخب خود و مرضی الطرفین به شهرداری منطقه یک قزوین مراجعه نمایند ، بدیهی است در صورت عدم مراجعه شهرداری نسبت به تکلیف قانونی خود از طریق مراجع قضایی اقدام خواهد نمود .

(روابط عمومی منطقه یک شهرداری قزوین)

